

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

درویش وردک

۲۰ سپتمبر ۲۰۱۵

یادنامه وفات حضرت شیخ عبدالقادر گیلانی (رضی الله تعالی عنه)

شیخ عبدالوهاب فرزندش رادمرعوض موت چنین سفارش فرمودند: ای فرزند، برتولازم است که تقوا داشته باشید و در اطاعت و عبادت خدای عزوجل بکوشی. نه از کسی بترس و نه به کسی امید داشته باش، تمام بیم و امیدت به خدا باشد و بس، همه نیازمندیهای خود را از او درخواست کن، جزیه خدا به احدی واثق مباش، توحید، توحید، توحید، جامع تمام اعمال توحید است.

در همین حال فرمود: هرگاه قلبی به صحت توحید رسید، و حب خدای در آن جای گرفت، دیگر نه چیزی در آن می یابد، و نه چیزی از آن خارج می شود. من مغزم نه پوست و (باطن گرایم نه ظاهر بین).

فرزندش را گفت: اطراف را خالی کنید، من به ظاهر باشماید، و در باطن باغیر شما، میان من و شما و دیگران فاصله از زمین تا آسمان است، مریاکی و کسی را با من مقایسه نکنید.

همچنین افزودند: کسانی به نزد من می آیند، برایشان جا باز کنید، اینجا مکان رحمت و محبت است، جای را بر احدی تنگ نکنید.

یکی از فرزندانش چنین بیان کرد، که شیخ مرتب می گفت: درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد، خدای مرا و شما را ببخشاید، توبه مارا پذیرا باشد.

و باز فرمود: من به چیزی اعتناء نمی کنم، نه به ملک نه به ملک الموت. ای ملک الموت از نزد من کنار رو، کسی غیر از تو امور مرا تعهد کرده است. در این حال صیحه ای کشید و این در روزی بود که شامگاه آن به دیدار حق شتافت.

یکی از پسرانش درباره چگونگی حالش پرسید، جواب داد، کسی درباره آنچه که من در آنم سوالی نکند، من به علم خدا و به سوی خدا باز می گردم.

به فرزندش عبدالجبار گفت: آیا تو خوابیده ای یا بیدار؟ بمیرید تا هوشیاری و آگاهی یابید.

من (یکی از میردان) به خدمتش رفتم، و همه فرزندانش در حضور بودند و عبدالعزیز فرزندش کتابت می کرد، فرمود، کاغذ رابه عقیف بدهید تا او بنویسد، کاغذ را گرفتم و طبق دستور نوشتم: «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا»، حکم قابل تغییر است و علم ثابت، حکم خدا به اراده او نسخ می شود، اما علم ثابت و غیر قابل نسخ است، علم خدا نقض نمی شود.

دو فرزندش عبدالرزاق و موسی خبر دادند، که شیخ در حال موت دستها را بلند کرده بود و می فرمود: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما، توبه نمائید و به رسته نیکان وارد شوید، و بازمی فرمود: رفق و مدارا داشته باشید، من از کلمه لا اله الا الله کمک می گیرم، (از الهی) که حی است و قیوم، و مرگ به ساحت مقدسش راه ندارد، پاک و منزله است خدائی که بزرگوار است و با قدرت بر تمام بندگان چیره، لا اله الا الله محمد الرسول الله.

وموسی خبرداد که وقتی شیخ(رضی الله تعالی عنه) کلمه تعزز رامی خواست بیان دارد(سبحان من تعزز) ، ازادای آن ناتوان بود، چند بار آن را تکرار کرد، تااین که بالاخره صریح و باصدای بلند آن را اداء نمود، سپس سه بار گفت، الله ، الله ، الله ، ودراین هنگام صدایش آرام شد، وزبانش به سقف دهان چسبید، وبدین گونه به دیدار حق شتافت، خدای از او وازهمه ما راضی باشد.

خدای از او وازهمه ما راضی باشد، وبه الطاف خودمارا باهم جمع نماید «فی مقعد صدق عندک ملیک مقتدر» آمین.
وآخرالدعوانا ان الحمدلله رب العلمین، وصلوات الله علی سید الانبیاء ومقدم الشفعاة محمد خیر البریه،صلی الله علیه وعلی آله واصحابه اجمعین.